

قرآن صامت از زبان قرآن ناطق

دکتر سیدجعفر شهیدی

چکیده

قرآن صامت از
زبان قرآن ناطق

۱۳۴

نهج البلاغه قرابت زیادی با قرآن دارد. قرابت نهج البلاغه با قرآن را می‌توان هم از لحاظ مفاهیم و محتوا و هم به لحاظ معرفی و چستی بررسی کرد. امام علی (ع) در فقره‌هایی از نهج البلاغه به معرفی قرآن توجه دارد. این توجهات، ذیل عناوین آموختن و تلاوت قرآن، درون و برون قرآن، هم‌نشینی با قرآن، قرآن دستاویزی محکم، چراغ راه، قرآن معدن ایمان،... در این مقاله دسته‌بندی شده است. نهج البلاغه عظمت قرآن را در کلام امام (ع) آشکار ساخته و ماهیت و رسالت آن را بیان می‌کند.

کلید واژه‌ها:

قرآن، قرآن ناطق، بهره‌گیری از قرآن.

قرآن از آن بخواهید تا سخن گوید؛ و هرگز سخن نگوید؛ اما من شما را از آن خبر می‌دهم. بدانید قرآن علم آینده است و حدیث گذشته. درد شما را درمان است و راه سامان دادن کارتان در آن است» (نهج البلاغه، خ: ۱۵۸).

«کتاب خدا در دست رس شماست. زبان آن کند نیست؛ گویاست؛ خانه‌ای است که پایه‌هایش ویران نشود، و صاحب عزتی است که یارانش را هزیمت نبود» (همان، خ: ۱۳۳).

«این قرآن خطی نبشته است که میان دو جلد هشته است. زبان ندارد تا به سخن آید، ناچار آن را ترجمانی باید، و ترجمانش مردان‌اند که معنی آن دانند» (همان، خ: ۱۲۵).

آموختن و تلاوت قرآن

«قرآن را بیاموزید، که گفتار است، و آن را نیک بفهمید، که دل‌ها را بهترین بهار است. به روشنایی آن بهبود خواهید، که شفای سینه‌های بیمار است، و آن را نیکو تلاوت کنید، که سودمندترین بیان و تذکار است» (همان، خ: ۱۱۰).

قرآن، حجت پروردگار

«پس قرآن فرمان‌دهنده است و بازدارنده؛ خاموش است و گوینده؛ حجت خداست بر آفریدگانش که پیمان گرفته است از ایشان و همگان را نهاده است در گرو آن. نور خود را با قرآن تمام گرداند و دین خود را بدان به کمال رساند» (همان، خ: ۱۸۳).

دکتر سید جعفر
شهیدی

۱۳۵

درون و برون قرآن

ظاهر قرآن زیباست؛ باطن آن ژرف و ناپیدا است؛ عجایب آن سپری نگردد؛ غرایب آن به پایان نرسد، و تاریکی‌ها جز با آن زدوده نشود.

در قرآن است خبر آنچه پیش از شما بود و آنچه پس از شماست و حکم آن که چگونه بایدتان زندگی نمود» (همان، ق: ۳۱۳).

همنشینی با قرآن

«کسی با قرآن نشست، جز آن که چون برخاست، افزون شد، یا از او کاست؛ افزونی در رستگاری و کاهش از کوری و دل‌بیماری.

و بدانید کسی را که با قرآن است، نیاز نباشد؛ و بی قرآن بی‌نیاز نباشد. پس بهبود خود را از قرآن بخواهید، که قرآن بزرگ‌ترین آزار را بهی است؛ و آن کفر و دورویی و بیراهه رفتن و گم‌رهی است» (همان، خ: ۱۷۶).

قرآن، دستاویزی محکم

«بر شما باد به کتاب خدا، که ریسمان استوار است و نور آشکار است، و درمانی است سوددهنده، و تشنگی را فرو نشاننده؛ چنگ در زنده را نگه‌دارنده، و در آویزنده را نجات‌بخشنده.

نه کج شود تا راستش گردانند و نه به باطل گراید تا آن را برگردانند. کهنه نگردد به روزگار، نه از خواندن و نه از شنیدن بسیار. راست گفت آن که سخن گفت از روی قرآن، و آن که بدان رفتار

کرد، پیش افتاد از دیگران» (همان، خ: ۱۵۶).
خدای تعالی کتابی راهنما نازل فرمود و در آن نیک و بد را آشکار نمود. پس راه خیر را بگیرید،
تا هدایت شوید و از راه شر برگردید و به راه راست روید» (همان، خ: ۱۶۷).

قرآن، چراغ راه

«پس فرو فرستاد بر او قرآن را که چراغ آن فرو نمیرد؛ چراغی که افروختگی اش کاهش نپذیرد.
دریایی که ژرفای آن کس نداند و راهی که پیمودنش رهرو را به گمراهی نکشاند. پرتوی که فروغ
آن تیرگی نگیرد و فرقانی که نور برهانش خاموش نگردد و تیبانی که ویرانی نپذیرد و بهبودی‌ای که
در آن بیم بیماری نباشد و ارجمندی که یاورانش را شکست و ناپایداری نباشد و حقی که یاورانش
را زیان و خواری نباشد» (همان، خ: ۱۹۸).

قرآن، معدن ایمان

قرآن معدن ایمان است و میان‌جای آن، و چشمه‌سار دانش است و دریا‌های آن، و باغستان داد است
و انگیزه‌های آن، و بنیاد اسلام است و بنیاد استوار آن، وادی‌های حقیقت است و سبزه زارهای آن،
و دریایی است که بردارندگان آب، خشکش نگرداند؛ و چشمه‌سارهاست که آب کشندگان، آبش
را به ته نرساند. آبشخورهاست که در آیندگان بدان آنرا کم نکنند؛ و نشانه‌هاست که روندگان از
نظرش دور ندارند؛ و پشته‌هاست که روی آورندگان از آن بگذرند و آن را نگذارند» (همان).

قرآن صامت از
زبان قرآن ناطق

قرآن، مایه سیرایی دانشمندان

خدایش مایه سیرایی دانشمندان کرده است و بهار دل‌های فقیهان، مقصد راه‌های پارسایان و
دارویی که از پس آن بیماری نیست و نوری که با آن تاری نیست و ریسمانی که گرفتگاه آن استوار
است و پناهگاهی که قله آن پناهنده را نگاه‌دار است؛ ارجمندی که هر که با او دوستی ورزد، و امان
آن کس که بدان در شود و راه‌نمای هر که بدان اقتدا کند و عذرخواه آن که آنرا مذهب خود گیرد و
برهان هر کس که بدان سخن گوید و آنرا پذیرد و گواه هر که در مخاصمت پشتیبان خویشش شمرد
و پیروزی آن کس که بدان حجت آرد و راهبر آن که آنرا به کار دارد و برنده آن که آنرا کارفرماید
و نشان آن کس که در آن بنگرد چنان که باید، و نگاهدار کسی که خود را بدان از آسیب پاید و
دانش کسی که نیکش به خاطر سپرد و حدیث کسی که از آن روایت دارد» (همان).

قرآن و مردم آخرزمان

«نزد مردم آن زمان کالایی زیان‌مندتر از قرآن نیست، اگر آنرا چنان که باید، بخوانند، و نه
پرسودتر از قرآن، اگر معنی کلماتش را برگردانند... حاملان کتاب خدا آنرا واگذارند و محافظانش
آنرا به فراموشی سپارند.

پس در آن روزگار، قرآن و قرآنیان از جمع مردم دورند و رانده و مهجور؛ هر دو با هم در یک
راه روانند و میان مردم پناهی ندارند.

پس در این زمان قرآن و قرآنیان میان مردمند و نه میان آنان؛ با مردمند، نه با ایشان؛ چه، گمراهی
و رستگاری سازوار نیابند، هر چند با هم در یک‌جا بیابند. پس آن مردم در جدایی متفقند و از

جمع‌گريزان؛ گويي آنان پيشواي قرآنند، نه قرآن پيشواي آنان. جز نامي از قرآن نزدشان نماند و نشنامند جز خط و نوشته آن» (همان، خ: ۱۴۷).

منابع

قرآن کریم

علی بن ابی طالب [امام] ۱۳۶۸. نهج البلاغه، گردآوری شریف رضی، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران: انتشارات علمی - فرهنگی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



ثرو بشكاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی